

## اندونزی، آسه آن و خیزش چین: اندونزی در میان پویش‌های شرق آسیا در جهان پسابحران جهانی\*

ترجمه: حسام خاتمی<sup>۱</sup>

### چکیده

خیزش چین و روابط پویاتر آسه آن - چین به چالش‌های برجسته‌ای برای اندونزی در پی بحران مالی جهانی مبدل شده است. از نظر اقتصادی، همکاری بین آسه آن و چین از طریق منطقه آزاد تجاری آسه آن - چین باعث اثرات منفی قابل توجهی برای اندونزی شده است و شاهد آن کسری تجاری مداوم، رکود صنعتی و افزایش نرخ بیکاری است. در حوزه‌های سیاسی و نظامی، تغییراتی در رفتار سیاسی چین وجود داشته که این تغییرات حرکت از سمت رفتارهای انطباقی به سوی رفتارهای تهاجمی در شرایط عدم قطعیت و اطمینان در دریای چین جنوبی است. این وضعیت منجر به بروز گفت‌وگوهایایی برای دعوت از قدرت‌های فرامنطقه‌ای به ویژه ایالات متحده برای دخالت فعالانه در ترتیبات امنیتی منطقه شده است. در این زمینه، اندونزی، آسه آن را بعنوان یک ابزار مهم برای گردهم آوردن تمامی قدرت‌ها در منطقه و توجه به گفتگو و همکاری به جای اختلاف و مناقشات نظامی، مورد ملاحظه قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی، اندونزی، چین در حال ظهور، موازنه قوا

---

\* Syamsul, Hadi (2012). Indonesia, ASEAN, and the Rise of China: Indonesia in the Midst of East Asia's Dynamics in the Post-Global Crisis World. *International Journal of China Studies*. Vol. 3 .No. 2. August 2012 .pp. 151-166.

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی‌ارشد مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه تهران

## مقدمه

در حالیکه قدرت‌های اقتصادی دیرین ایالات متحده، اتحادیه اروپا و ژاپن به دلیل بحران مالی جهانی و بحران مالی اروپایی از رکود اقتصادی رنج می‌بردند، چین وجود و حضور خود را بعنوان قوه محرکه اقتصادی جهانی تداوم بخشید. چین در سال ۲۰۱۰ جایگاه ژاپن را بعنوان دومین اقتصاد بزرگ جهان با تولید ناخالص داخلی ۵,۸۷ تریلیون دلار در اختیار گرفت (Syamsul, 2011: 26). این کشور تنها دو سال پس از آنکه نقش آلمان را بعنوان سومین قدرت بزرگ جهان به دست آورد، در این موقعیت قرار گرفت. تولید ناخالص داخلی چین در سال ۲۰۰۷ به ۳,۵ تریلیون دلار رسید در حالیکه تولید ناخالص داخلی آلمان ۳,۳ تریلیون دلار بود (Ibid, 27). براساس نظرسنجی IHS Global Insight، چین در سال ۲۰۱۰ جایگاه ایالات متحده بعنوان بزرگترین تولید کننده جهان را به چنگ گرفت. در سال ۲۰۱۰، چین ۱۹,۸ درصد از کل تولید جهان را ایجاد کرد در حالیکه این درصد برای ایالات متحده آمریکا ۱۹,۴ درصد بود (Tempo, 2011: 29).

درست است که هردو بحران مالی جهانی و بحران مالی اروپایی، بر اقتصاد برون‌گرایی چین (چنانچه صادرات ۶۰ درصد از تولید ناخالص داخلی چین را تشکیل داده است) تأثیر گذاشته است، اما موقعیت کشور بعنوان قدرت اقتصادی بانفوذی قابل توجه و در نتیجه یک قدرت سیاسی، به یک واقعیت غیرقابل انکار مبدل شده است. نقش بین‌المللی چین در مجامع مختلفی همچون سازمان تجارت جهانی، جی بیست و کنفرانس تغییرات آب و هوایی سازمان ملل بسیار مورد توجه قرار گرفته است. چین در همراهی با گروه بریکس (برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی)، به تعقیب و دنبال کردن تصویری بعنوان قدرت اقتصادی آینده جهان می‌پردازد.

نقش چین در سطح منطقه‌ای و در شرق آسیا حتی زودتر از زمان بحران‌های مالی آسیا در ۱۹۹۸ - ۱۹۹۷ برجسته شده است. در این منطقه، جایی است که چین تصویر مثبت خود را آن هم پس از آنکه سیاست‌های خود را نه برای تنزل قیمت ارز خود و کمک مالی ۴ میلیارد دلاری، بلکه از طریق صندوق بین‌المللی پول و یک مسیر دوطرفه، تقویت کرده است. چین از پایان دهه ۱۹۹۰، در ترتیبات منطقه‌ای اقتصادی، سیاسی و امنیتی و عمدتاً در چارچوب آسه‌آن فعال بوده است. نقش مثبت چین در آسه‌آن+یک، آسه‌آن+سه و منطقه آزاد تجاری آسه‌آن - چین قابل توجه است. در حوزه امنیتی و از دهه ۱۹۹۰، چین دیپلماسی و گفتگو را در حل و فصل مناقشات ارضی در دریای چین جنوبی مورد توجه قرار داد. این مسئله از تمایل چین برای امضای اعلامیه مرتبط با رفتار طرفین در دریای چین جنوبی (۲۰۰۲) و معاهده مودت و همکاری آسه‌آن (۲۰۰۳) بارز و مشهود است.

توانایی چین برای به نمایش گذاشتن استراتژی خیزش و ظهور صلح‌آمیز در امور منطقه‌ای، به بهتر شدن روابط اندونزی و چین در دوره پسا سوهارتو یاری رسانده است. تعالی و توفیق چین در جاکارتا مورد استقبال

قرار گرفت و به اندونزی به منظور حذف و مرتفع کردن پیامدهای منفی سیاست‌های درک شده تهاجمی و یکجانبه‌گرایی ایالات متحده در دوران ریاست جمهوری جورج دبلیو بوش یاری رساند (Novotny, 2010: 248). روابط چین و اندونزی در دوره پسا سوهارتو در زمان امضای رسمی موافقتنامه مشارکت استراتژیک در آوریل سال ۲۰۰۵ میان این دو کشور، به اوج خود رسید. در اعلامیه امضا شده توسط نخست‌وزیران اندونزی و چین، بیان شده بود که این مشارکت استراتژیک به یک شیوه بی‌طرف و به منظور ترویج و ارتقای صلح، ثبات و رفاه و کامیابی، به اجرا گذاشته خواهد شد (Syamsul, 2010: 59).

با وجود این، روندها در پویایی‌های منطقه‌ای از سال ۲۰۰۹ منجر به آن شد تا برخی از کشورهای آسه‌آن، تنظیم دیدگاه‌های خود در قبال چین را دنبال کنند و دلیل آن تداوم مدرنیزاسیون نظامی چین و به نمایش گذاردن اقدامات تهاجمی این کشور به ویژه موارد مرتبط با مناقشات در دریای چین جنوبی بود (Severino, 2011: 34-26). این مسئله موجب بروز افکار و ایده‌هایی برای مداخله قدرت‌های بیشتر فرمانطقه‌ای به ویژه ایالات متحده به منظور برقراری صلح و ثبات و اجتناب از برخوردهای نظامی در شرق آسیا شد. ایالات متحده آمریکا در دوران زمامداری باراک اوباما، در نزدیک شدن به دولت و جامعه اندونزی و به ویژه در بازدید از اندونزی در نوامبر سال ۲۰۱۰ موفق بود (Novotny, 2010: 259). علاوه بر این، تداوم کسری تجاری اندونزی در برابر چین به ویژه پس از اجرا و پیاده‌سازی منطقه آزاد تجاری آسه‌آن - چین در ۶۱ سال ۲۰۱۰، منجر به بروز یک نگرانی گسترده در میان جامعه تجاری اندونزی در رابطه با اهمیت اصلاح عدم‌توازن و تعادل اقتصادی در روابط اقتصادی اندونزی با چین شد.

این مقاله به تجزیه و تحلیل این مسئله می‌پردازد که اندونزی چگونه به شرایط پویایی دوره پسا بحران مالی به ویژه در رابطه با پدیده خیزش چین و برخی از موضوعات مرتبط واکنش نشان می‌دهد، موضوعاتی که آینده روابط اندونزی - چین را شکل داده و تحت تأثیر قرار می‌دهد. در ابتدا، تصویری از اهمیت آسه‌آن در سیاست خارجی اندونزی شرح داده می‌شود که در بسیاری از موارد بر واکنش کشور در قبال شرایط پویا در سال‌های پس‌بحران مالی تأثیر می‌گذارد که از جمله آن در برخورد و مواجهه با سیاست‌های منطقه‌ای و دوجانبه چین است. پس از آن، این پرسش مطرح می‌شود که اندونزی در مواجهه با موضوعات منطقه‌ای آسه‌آن که روابط فعلی و آتی اندونزی و چین را تحت تأثیر قرار می‌دهند، چگونه با استراتژی آسه‌آن همراه می‌شود؟

### اهمیت آسه‌آن در سیاست خارجی اندونزی در دوره پساجبران مالی جهانی

از زمان ظهور رژیم اقتدارگرای سوهارتو در ۱۹۶۵، آسه‌آن بطور مداوم به یک سازمان کانونی و محوری برای سیاست خارجی اندونزی مبدل شده است. اگرچه دولت به ویژه در چندین سازمان چندجانبه همچون جنبش عدم تعهد، سازمان کنفرانس اسلامی<sup>۱</sup> و همکاری اقتصادی آسیا پاسفیک<sup>۲</sup> فعال بوده است، استراتژی آسه‌آن برای قرار دادن این سازمان بعنوان ابزار اصلی دیپلماسی بین‌المللی، بیشتر یا کمتر بعنوان یک چشم‌انداز برای سیاست خارجی این کشور مطرح شد. با این حال، از اواخر سال ۲۰۰۷، مباحثات شدیدی راجع به موقعیت آسه‌آن در سیاست خارجی اندونزی وجود داشته است. در ابتدا بحث بر سر آن بود که آیا اندونزی باید منشور آسه‌آن را به تصویب برساند یا خیر. دولت با نخست‌وزیری آن زمان یعنی Hassan Wirayuda استدلال می‌کند که از تصویب گذراندن منشور آسه‌آن برای تقویت آسه‌آن بعنوان یک سازمان منطقه‌ای ضروری است که از طریق آن اندونزی نقش مرکزی و محوری خود در استقرار ثبات منطقه‌ای و توسعه همکاری‌های فشرده در چندین حوزه در جنوب شرق آسیا را به اثبات رسانده است، حوزه‌هایی که برای تعالی بخشیدن به نقش اندونزی در سیاست بین‌الملل لازم و حیاتی است (Sahkan, 2011: 15).

براساس دو استدلال متفاوت، دو گروه وجود دارند که براین باورند که کشور نباید این منشور را به تصویب برساند. نخستین گروه با هدایت و راهبری Jusuf Wanandi معتقد است که مواد منشور به ویژه در ارتباط با اجرای حقوق بشر و دموکراسی در آسه‌آن، به اندازه کافی جامع نیستند. دومین گروه که شامل بسیاری از اعضای پارلمان و سازمان‌های غیردولتی<sup>۳</sup> هستند، ملاحظه می‌کنند که دخالت دیرین و پایای اندونزی در آسه‌آن هرگز برای به دست آوردن پایه‌های داخلی قوی نبوده است. بطور خاص، Salamuddin Daeng، یک فعال در موسسه عدالت جهانی و متمرکز در حوزه موضوعی تجارت و جهانی شدن مستقر در جاکارتا، استدلال می‌کند که پروژه تجارت آزاد در آسه‌آن، اقتصاد ملی را به ویژه در رابطه با کشاورزان، ماهیگیران و صنایع کوچک در معرض خطر قرار می‌دهد (Syamsul, 2010: 11).

اکثر احزاب سیاسی، اهمیت مکانیزم‌های جدیدی را مورد ملاحظه قرار داده‌اند که مردم را برای درگیر شدن در روند نظارت مسیر و توسعه آسه‌آن، توانمند می‌کند. درحالی‌که حزب دموکراتیک اندونزی (یک حزب به رهبری رئیس‌جمهور سابق Megawati Soekarnoputri با حضور نهاد حقوق بشر در آسه‌آن مخالفت کرد، حزب اختیارات ملی یک حزب بنیان‌گذاری شده توسط Amien Rais با ادعای بودن بعنوان یک حزب اصلاح طلب بر اهمیت استقرار یک نهاد برای بهبود اجرا و پیاده‌سازی حقوق بشر در آسه‌آن تأکید کرد. از سوی دیگر،

<sup>1</sup> NAM

<sup>2</sup> OIC

<sup>3</sup> APEC

<sup>4</sup> NGOS

حزب توسعه متحد (یک حزب مدعی نمایندگی جامعه مسلمانان از زمان سوهارتو) نگرانی‌های خود را در رابطه با احتمال اثرات منفی بازار ۲۰۱۵ آسه‌آن ابراز کرد که دلیل آن عدم‌آمدگی کشور به منظور رقابت در تجارت آزاد منطقه‌ای بود. در نهایت، پس از چنین مباحثات طولانی، پارلمان در مورد به تصویب رساندن منشور آسه‌آن در ۲۱ اکتبر ۲۰۰۸ تصمیم‌گیری نمود.

تاب‌آوری و انعطاف اقتصاد اندونزی در جریان بحران مالی جهانی، اعتماد به نفس رهبران کشور را تقویت کرده است که در واقع یک منطق برای بررسی و بازبینی نقش کشور در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی بود. اندونزی حضور مثبت اقتصادی خود را در جریان بحران حفظ نمود درحالی‌که کشورهای توسعه‌یافته در معرض فروپاشی قرار گرفته بودند. اندونزی در کنار چین و هند، رشد اقتصادی مثبتی را به دست آورد. چین در سال ۲۰۰۹ با رشد اقتصادی ۸٫۷ درصدی، بالاترین نرخ را به خود اختصاص داد و پس از آن هند با ۲٫۷ درصد و اندونزی با ۴٫۵ درصد در رده‌های بعدی قرار گرفتند.

یک دید و تصور کلی وجود دارد که اندونزی از نقش‌های کاهش یافته منطقه‌ای و بین‌المللی پس از بحران مالی آسیا در سال‌های ۱۹۹۷ تا ۱۹۹۸ رنج می‌برد، مسئله‌ای که منجر به فروپاشی رژیم سوهارتو و بحران‌های مرتبط با حوزه‌های اقتصادی و همچنین سیاسی شد. بدتر شدن شرایط اقتصادی و امنیتی در آن زمان باعث تضعیف نمایه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی اندونزی شده است. علاوه بر این، از زمان ریاست جمهوری سوسیلو ۶۳ بامبانگ یوده‌ویونو، اندونزی همچنین عملکرد مثبتی در حوزه امنیتی را به نمایش گذاشته است. دولت اندونزی در سال ۲۰۰۴ یک موافقتنامه صلح را با جنبش جدایی طلب در آچه (به امضا رساند و به سه دهه از منازعه و تعارض پایان داد، منازعاتی که هزاران نفر را به کام مرگ کشاند (Brooks, 2011: 111)). چنین شرایط داخلی همراه با وضعیت پایدار و باثبات اجتماعی سیاسی در نتیجه نهاده‌سازی دموکراتیک، بنیان‌هایی قوی و اعتماد به نفس لازم در میان نخبگان سیاسی برای تقویت نقش بین‌المللی اندونزی را فراهم آورده است.

عضویت اندونزی در گروه جی بیست بعنوان ابزار قدرت و نفوذ موقعیت بین‌المللی اندونزی مورد ملاحظه قرار گرفته است. علاوه بر این، در اجلاس گروه جی بیست در پیتسبورگ در سپتامبر ۲۰۰۹، این مجمع بعنوان جانشین و جایگزین گروه جی هشت بعنوان یک هماهنگ‌کننده اقتصادی اعلام شد. اگرچه این یک تعهد غیرالزام‌آور است، گروه جی بیست که سابقاً تنها شامل وزرای امور مالی و مدیران بانک‌های مرکزی بود، نقش‌های مهمی را در هماهنگی سیاست اقتصادی جهانی در جریان بحران مالی جهانی ۲۰۰۹-۲۰۰۸ ایفاء کرده است. در گروه جی بیست، قدرت‌های جدید اقتصادی همچون چین، برزیل، آرژانتین، هند و اندونزی،

<sup>1</sup> Aceh

زمینه‌های بین‌المللی بیشتری را پس از ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا و ژاپن به دست آوردند و نکته قابل توجه آن است که ایالات متحده، اتحادیه اروپا و ژاپن دیگر به تنهایی قادر به عمل کردن بعنوان نقاط اتکای اصلی اقتصاد جهانی نیستند.

برخی بر این باورند که اندونزی از طریق عضویت در گروه جی بیست، از فضای بیشتری برای تقویت و توسعه منافع برخوردار است. از این بحث، یک مباحثه جدید در این مورد وجود دارد که آیا اندونزی باید همچنان به آسه‌آن بعنوان ستون اصلی سیاست خارجی خود توجه کند یا خیر. برخی از کارشناسان حتی بیان می‌دارند که این یک زمان برای کشور اندونزی به منظور رها کردن تأکید بر آسه‌آن و شروع تغییر توجه خود به سمت نهادهای چندجانبه همانند جی بیست، سازمان کنفرانس اسلامی، جنبش عدم‌تعهد، همکاری اقتصادی آسیا پاسفیک و سازمان ملل است (Syamsul, 2010: 11). با اینحال، رئیس‌جمهور سوسیلو بامبانگ یوده‌ویونو و وزیر امور خارجه مارتی ناتالگاوا، تعهد اندونزی برای مقام دادن به آسه‌آن بعنوان مسیر اصلی سیاست خارجی کشور را مورد تأکید قرار دادند.

درک اندونزی بعنوان «رهبر ذاتی آسه‌آن» بطور مداوم بر رفتار رهبران کشور به صورت دوجانبه و چندجانبه تأثیر نهاده است. به دست گرفتن به مقام غیرنظامی اندونزیایی توسط افسران مالزیایی در آب‌های بینتان در سپتامبر ۲۰۱۰ را می‌تواند بعنوان یک نمونه و مثال مطرح کرد. به جای نشان دادن اقدامات راسخ و مستحکم چین در مقابل ژاپن بر سر جزایر Diaoyu/Senkaku، دولت اندونزی از طریق صرف ارسال پیام‌ها و یادداشت‌های دیپلماتیک برای مخالفت با این اقدام، مواضع بسیار ضعیفی را از خود به نمایش گذاشت. در میان یأس و ناامیدی پارلمان و مخالفت‌های عمومی، وزیر امور خارجه مارتی ناتالگاوا در این مورد بیان داشت که ریاست و تصدی‌گری اندونزی در آسه‌آن در سال ۲۰۱۱ به مورد مهمی برای انتخاب چنین مسیر دیپلماتیک به منظور حل و فصل منازعات منطقه‌ای مبدل شد. مطابق با گفته‌های یوده‌ویونو، اندونزی بعنوان رهبر آسه‌آن باید مثال خوبی برای سایر اعضای آسه‌آن باشد (Douk, 2003).

اصل مرکزیت آسه‌آن بطور پیوسته توسط اندونزی و باتوجه به خیزش و ظهور اقتصادی و سیاسی چین، مورد استفاده قرار گرفته است. مقدم بر روابط چین - آسه‌آن، اولویت چین تعقیب و دنبال کردن رشد اقتصادی و در اختیار داشتن نقش‌های بزرگتر در حوزه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است. آلیس‌دی با، بیان می‌دارد که چین به دنبال تقویت موضع خود بعنوان یک محرک رشد و تثبیت‌کننده سیاسی منطقه‌ای است (Ibid, 6). بر این اساس، چین به دنبال استقرار همکاری اقتصادی با آسه‌آن برای مثال از طریق منطقه آزاد تجاری آسه‌آن- چین است. در طی هفتمین نشست آسه‌آن در بندر سری بگاوان در دارالسلام برونی در نوامبر ۲۰۰۱، رئیس‌دوره‌ای آسه‌آن در همراهی با نخست‌وزیر چین، مذاکراتی را در رابطه با چارچوب موافقت‌نامه منطقه تجارت آزاد آسه‌آن - چین، آغاز کردند. این مذاکرات تا نشست آسه‌آن - چین در پنوم پن کامبوج

در نوامبر ۲۰۰۲ تداوم یافت. برای به اجرا درآوردن موافقت‌نامه آزاد تجاری در سال ۲۰۱۰ برای آسه‌آن ۶ شامل کشورهای مالزی، برونی، اندونزی، تایلند، فیلیپین و سنگاپور، توافقاتی صورت پذیرفته است. این موافقت‌نامه برای سایر اعضای باقی مانده یعنی کامبوج، لائوس، میانمار و ویتنام در سال ۲۰۱۵ آغاز بکار می‌کند.

با اینحال، اجرا و پیاده‌سازی منطقه آزاد تجاری آسه‌آن- چین بطور مستقیم بر موج خروشان واردات از چین به سمت کشورهای آسه‌آن اثر می‌گذارد. بطور خاص برای اندونزی، اثر منفی منطقه آزاد تجاری آسه‌آن- چین برای اقتصاد کشور منجر به مباحثات گسترده عمومی در سال ۲۰۱۰ شد. این گزارش ثبت شده بود که تنها در چهار ماه پس از اجرا و پیاده‌سازی منطقه آزاد تجاری آسه‌آن- چین، واردات اسباب‌بازی و منسوجات از چین به ترتیب تا ۹۵۲ درصد و ۲۰۱۵ درصد افزایش یافت. اندونزی یک کسری تجاری بیش از ۵ میلیارد دلاری را تنها در یک سال پس از اجرا و پیاده‌سازی چین به ثبت رساند، چنانچه صادرات اندونزی تنها به ۱۴,۰۷۲ میلیارد دلار افزایش یافت و واردات اندونزی بالغ بر ۱۹,۶۸۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ بود. این به رکود ۲۰ درصدی ظرفیت صنعتی اندونزی و ۱۵ درصد تلفات و ضایعات شغلی منجر شد (Gatra, 2011). صرف‌نظر از انتقادهای بی‌شمار از بخش‌های تجارت و کسب‌وکار، رسانه‌های جمعی و دانشگاهیان، دولت اندونزی بر تداوم تعهدات خود در قبال منطقه آزاد تجاری آسه‌آن- چین پافشاری کرده و در مورد عدم مذاکره مجدد در این رابطه تصمیم‌گیری نمود. از یکسو، دولت نشان داد که فشار گروه‌های ذینفع به نظر هیچ‌کسی از دولت را تغییر نخواهد داد درحالی‌که از سوی دیگر، دولت مجدداً بر تعهدات وسیع و گسترده خود برای وفاداری و هواخواهی از هر موافقت‌نامه در چارچوب آسه‌آن و بدون توجه به هزینه‌های آن برای کشور، تأکید کرد. این مسئله در یک چشم‌انداز گسترده‌تر همچنین نشان دهنده آن است که دولت اندونزی چگونه تلاش می‌کند تا برتری و سلطه اقتصادی چین را بعنوان یک فرصت و نه یک تهدید مورد توجه قرار بدهد. مطابق با گفته‌های سفیر اندونزی در چین، ایمران کوتان، این درست است که پس از یک‌سال از اجرای منطقه آزاد تجاری آسه‌آن- چین، اندونزی از یک کسری نسبتاً عظیم تجاری با چین رنج می‌برد (Kompas, 2012). با اینحال، طبق گفته کوتان، هنوز یک فرصت بزرگ برای اندونزی به منظور بهره‌مندی از بازار چین با جمعیت یک میلیارد و چهارصد میلیون نفری این کشور وجود دارد. صادرات اندونزی به چین در حال حاضر تنها بر حوزه منابع انرژی و مواد خام متمرکز است. در آینده و براساس نظر سفیر اندونزی، اندونزی می‌بایست برای صادرات میوه و همچنین کالاهای مربوط به کشت و زرع، تلاش بیشتری به خرج بدهد چراکه چین از نظر منابع طبیعی از این دست نسبتاً فقیر است.

## چین و پویایی‌های امنیتی شرق آسیا پس از بحران جهانی

ظهور و خیزش چین منجر به تغییر توازن قدرت در میان قدرت‌های بزرگ در منطقه شده است. این ارائه دهنده یک چالش دشوار برای آسه‌آن به منظور حفظ انسجام و مرکزیت دیپلماتیک خود در معماری منطقه‌ای آسیا پاسفیک است (Sukma, 2011). حداقل سه عامل موثر بر ترتیبات سیاسی امنیتی منطقه‌ای در شرق آسیا وجود دارد (Thayer, 2011: 16). تنش‌های در حال رشد بین ایالات متحده و چین، مداخله مجدد ایالات متحده در منطقه و ابراز وجود رو به رشد چین در دریای چین جنوبی. این سه عامل بطور قطع به یک آزمون جدی برای آسه‌آن مبدل شده‌اند، آسه‌آنی که مجدداً خود را بعنوان یک نیروی محرکه در شرق آسیا به نمایش گذاشته است.

علاوه بر اختلافات و سایش‌های مداوم اقتصادی همچون اتهام ایالات متحده به چین در رابطه با ارزیابی کمتر از میزان واقعی ارزش خود به منظور افزایش رقابت تجاری، درگیری‌های سیاسی رو به رشدی میان این دو کشور وجود دارد. روابط ایالات متحده و چین در اوایل سال ۲۰۱۰ رو به وخامت نهاد که دلیل آن تصمیم ایالات متحده برای برقراری تجارت تسلیحات با تایوان و استقبال رئیس‌جمهور اوباما از دیدار با دالایی لاما رهبر معنوی تبتی‌ها بود. چین از روی خشم واکنش نشان داد و بلافاصله هرگونه تبادلات نظامی را به حالت تعلیق درآورد. اما این وضعیت زمانی بدتر شد که در گفتگوی شانگری لا در سنگاپور در ژوئن ۲۰۱۰، رابرت گیتس وزیر دفاع ایالات متحده یکبار دیگر انجام تجارت تسلیحات با تایوان را اعلام کرد. رابرت گیتس همچنین با ادعای چین در دریای چین جنوبی مخالفت ورزید (Ibid, 17).

تنش‌های روبه رشد در دریای چین جنوبی در مه ۲۰۰۹ آغاز شد زمانی که هر دو کشور ویتنام و مالزی یک طرح پیشنهادی برای گسترش دادن فلات قاره خود فراتر از ۲۰۰ مایل دریایی تا مناطق مورد مناقشه را طرح‌ریزی کردند (Beckman, 2011: 173). این ادعا و مطالبه نیز با عنوان محدودیت‌هایی بر فلات قاره به کمیسیون سازمان ملل ارائه شد، نهادی که تحت امر کنوانسیون سازمان ملل در رابطه قانون دریاها انجام وظیفه می‌کند. مطابق با قانون ۱۹۸۲ دریاها، کشورهای ساحلی حق داشتن ادعا و مطالبه ۲۰۰ مایل دریایی از سرزمین اصلی خود یا سایر جزایر خارجی را در اختیار دارند. چین قویاً با طرح پیشنهادی ویتنام و مالزی مخالف کرد و بیان داشت که این ادعا «بطور جدی حق حاکمیت چین، حقوق قدرت عالی‌ه چین و قلمرو قدرت قضایی بر دریای چین جنوبی را نقض می‌کند» (Bateman, 2011: 175)، چین بر «داشتن حق حاکمیت مسلم و بی‌چون و چرا بر جزایر دریای چین جنوبی و آب‌های اطراف و برداشتن حقوق قدرت عالی‌ه و حاکمیت قضایی بر آب‌های مربوطه، بستر دریا و لایه‌های زیرمینی آن» تأکید می‌ورزد (Ibid, 173).

در واقع، منازعات و درگیری در دریای چین جنوبی برای مدت زمانی طولانی ادامه دارد. درحالی‌که چین، تایوان و ویتنام مدعی تمامی جزایر کوچک و صخره‌های درون آن هستند، برونئی، مالزی و فیلیپین تنها



مدعی برخی از آنها هستند. این ادعاهای همپوشان موجب بروز سایش و اصطکاک نه تنها بین دولت‌های عضو آسه‌آن بلکه بین آسه‌آن و چین شده است. بنابراین، اعلامیه در مورد رفتار طرفین در دریای چین جنوبی (بین آسه‌آن و چین در سال ۲۰۰۲ در واقع یک دستاورد چشمگیر دیپلماتیک به منظور تضمین یک منطقه صلح‌آمیز و باثبات است (Ibid, 173). علاوه بر این، مداخله ایالات متحده در دریای مورد مناقشه حتی پیش از تسلیم ادعای ویتنام و مالزی آغاز شده بود. در مارس ۲۰۰۹، یک حادثه برای کشتی دریایی ایالات متحده و کشتی چینی در جنوب هینان روی داد چین بیان داشت که هرگونه فعالیت کشتی آمریکایی از جمله تحقیقات علمی باید با مجوز دولت چین باشد. از سوی دیگر ایالات متحده ضمن اعلام تعهد و تکلیف خود بیان داشت که فعالیت‌های آمریکا در این دریا از نوع فعالیت‌های ناوبری و دریایی معتبر است که فراتر از منطقه اقتصادی انحصاری هر کشور است (Ibid, 176).

چین بطور سنتی یک رویکرد دوجانبه در اداره و رسیدگی به مناقشات و اختلافات در دریای چین جنوبی با کشورهای مدعی در آسه‌آن را ترجیح می‌دهد. با این حال، به نظر می‌رسد که بین‌المللی شدن منازعات دریای چین جنوبی نیز اجتناب‌ناپذیر است. مدرنیزاسیون نظامی چین و ابراز وجود رو به رشد چین، ویتنام و چندین کشور دیگر در آسه‌آن را وادار کرده است تا به منظور مداخله ایالات متحده حتی در امور امنیتی جنوب شرق آسیا، لابی کنند. ایالات متحده نیز با مطرح کردن این موضوعات در هفدهمین انجمن منطقه‌ای آسه‌آن در ۶۷ هانوی در ژوئیه ۲۰۱۰، به این درخواست‌ها واکنش نشان داد. گزارش شده است که در جریان نشست انجمن منطقه‌ای آسه‌آن، ۱۲ کشور از ۲۷ کشور مشارکت‌کننده، گام بلندی را به سمت یک رویکرد چندجانبه برای مناقشات در دریای چین جنوبی برداشتند (Fook, 2010: 1). علاوه بر این چین بدون هیچگونه تعجب و شگرفی به این مسئله واکنش نشان داد و شاهد این موضوع، اظهارات یکی از مقامات چین بود که بیان داشت «ما با هر کشوری که کاری برای انجام دادن در موضوع دریای چین جنوبی ندارد اما در این مناقشه دخالت می‌کند، به شدت مخالفت می‌کنیم». این مسئله به جای کمک به حل موضوع، تنها آن را پیچیده می‌کند (Thayer, Ibid: 21) این وضعیت در پی اختلاف دیپلماتیک چین و ژاپن در سپتامبر ۲۰۱۰ بر سر جزایر Diaoyu/Senkaku شدت یافت جائیکه ژاپن، ناخدای یک قایق ماهیگیری چینی را به اتهام عبور از مرزهای سرزمینی ژاپن بدون مجوز دستگیر کرد. این ناخدا در نهایت پس از تنش‌های ادامه‌دار از سوی چین آزاد شد (Yee, 2011: 20).

<sup>1</sup> DOC

<sup>2</sup> ARF

رفتارهای «تهاجمی» چین به وضوح در نتیجه دعوت از بیشتر قدرت‌های جهانی خارج از شرق آسیا به منظور ایفای یک نقش توازن‌بخش علیه آن است. آسه‌آن با گسترده‌تر کردن عضویت نشست شرق آسیا از طریق دعوت کردن از ایالات متحده و روسیه موافقت کرده است. بازدید رئیس‌جمهور اوباما از اندونزی و چندین کشور آسه‌آن در نوامبر ۲۰۱۱ همراه با بیانیه‌های وزیر امور خارجه هیلاری کلینتون باتوجه به تمایل ایالات متحده برای تشدید روابط آمریکا با آسه‌آن، یادآور مرحله «تعامل مجدد» با جنوب شرق آسیا است.

### مواجهه با پویایی‌های جدید منطقه‌ای در شرق آسیا: اندونزی، خیزش چین و اصل مرکزیت آسه‌آن

در سال ۲۰۱۰، اقتصاد کشورهای آسه‌آن بطور کلی از زمان بحران مالی جهانی بهبود یافته است. آسه‌آن یک رشد اقتصادی ۷٫۵ درصدی را در سال ۲۰۱۰ به ثبت رسانده است که این فراتر از رشد ۴٫۸ درصدی اقتصاد جهانی در همان سال است. در حالیکه کشورهای اتحادیه اروپا به دلیل به بار آوردن بدهی‌های عظیم مورد توجه جهان قرار گرفته‌اند، کشورهای آسه‌آن یک عملکرد مثبت اقتصادی را به نمایش گذاشته‌اند. عنوان کردن این مسئله اغراق نیست اگر بگوییم که آسه‌آن از امکانات بالایی برای میدل شدن به یک بدیل رشد اقتصادی پس از عملکرد ضعیف ایالات متحده و اتحادیه اروپا برخوردار است. علاوه بر این، کشورهای آسه‌آن بطور پیوسته و مداوم به سمت جامعه اقتصادی آسه‌آن در سال ۲۰۱۵ حرکت می‌کنند. همانگونه که در نشست آسه‌آن در سال ۲۰۱۰ مشاهده شد، کشورهای آسه‌آن بر سر اتخاذ طرح جامع ارتباطات بعنوان بخشی از ترتیبات برای همگرایی بیشتر اقتصاد منطقه به توافق رسیدند (Severino, 2011: 28).

در حالیکه این درست است که به نظر می‌رسد آسه‌آن از نظر اقتصادی قوی‌تر و قابل پیش‌بینی‌تر است (در مقایسه با اتحادیه اروپا)، وضعیت در حوزه امنیتی به دور از قطعیت است. پیچیدگی‌های امنیتی در منطقه در واقع بر روابط بین اندونزی و چین تأثیر می‌گذارد، روابطی که در سال‌های پیش از بحران جهانی بسیار مثبت ارزیابی می‌شد. بهبود در روابط بین این دو کشور پس از دوره سوهارتو به واسطه بازدیدهای مکرر از رهبران و مقامات، تعداد روزافزون حجم معاملات و سرمایه‌گذاری و بالاتر از همه امضای اعلامیه مشارکت استراتژیک در سال ۲۰۰۵ مشخص شده است (Hadi, 2010). این بگونه‌ای قابل مشاهده با آنچه در طول دوره سوهارتو رخ داده متفاوت است، دوره‌ای که در آن روابط خارجی اندونزی به سمت سیاست‌های ضد کمونیستی گرایش داشت که این در واقع به معنای درک چین بعنوان بخشی از یک «تهدید ایدئولوژیک» بود.

همانگونه که پیش از این اشاره شد، روابط اندونزی و چین در دوره سوسیلو بامبانگ یودهویونو، بدون هیچگونه مشاجره و جدالی نبود به ویژه پس از اجرا و پیاده‌سازی منطقه آزاد تجاری آسه‌آن- چین که در آن جریان عظیم کالاهای وارداتی از سوی چین، ارائه دهنده تهدیدات جدی برای بخش تولید کشور اندونزی بود. از وزیر امور تجارت اندونزی ماری پانگستو برای سیاست‌های تجاری غیرحمایتی در قبال محصولات خارجی، انتقادات گسترده‌ای صورت پذیرفته بود. این به احتمال زیاد موردی بود که چرا وی از مقام و موقعیت خود در جریان تجدید سازمان کابینه سوسیلو بامبانگ یودهویونو در اکتبر ۲۰۱۱ به دلیل عدم برخورداری از روح ملی‌گرایی عزل شد. اما جانشین وی، گیتا ویرجاوان متعهد شد تا کسری تجاری فزاینده اندونزی به ویژه در روابط با چین را به توازن و تعادل برساند.

در رابطه با تنش در دریای چین جنوبی، رئیس جمهور سوسیلو بامبانگ یودهویونو بیان داشته است که بعنوان رئیس آسه‌آن در سال ۲۰۱۱، این اولویت اندونزی برای پیشرفت در مسیر حل و فصل موضوع است. اگرچه اندونزی در جزایر اسپراتلی هیچ ادعایی را مطرح نکرده است، اما دارای منافع روشنی در این منطقه است. ادعای چین در قبال جزایر اسپراتلی و آب‌های اطراف، بطور مستقیم جزایر غنی از گاز ناتونا را تهدید می‌کند. اندونزی از دهه ۱۹۹۰ در تلاش برای یافتن توضیحاتی شفاف و نامتناقض در رابطه با ادعاهای چین بوده است اما این تلاش‌ها تاکنون با شکست مواجه شده است. علاوه بر این، اندونزی هرگز خواهان تضاد در ۶۹ منطقه آسه‌آن نبوده است به ویژه اگر آن شامل منافع قدرت‌های بزرگ همچون چین و ایالات متحده باشد. اندونزی در مورد ریاست خود بر آسه‌آن در سال ۲۰۱۱، از انتخاب و گزینه‌های دیگر برخوردار نیست اما بر پیاده‌سازی و اجرای «اعلامیه رفتار طرفین در دریای چین جنوبی ۲۰۰۲» تأکید می‌ورزد (Laksana, 2011: 23).

جالب توجه است که وزیر امور خارجه ماری ناتالگاوا، عدم قطعیت در دریای چین جنوبی را بعنوان بخشی از وضعیت «صلح سرد» در آسیا پاسفیک مدنظر قرار می‌دهد. مطابق با بیانات وی، در منطقه هنوز بازیگرانی از دوران جنگ سرد حضور دارند اما بازیگران جدید نیز در حال پیشروی هستند. بعنوان مثال چین و هند در میان قدرت‌های جدید اقتصادی منطقه‌ای و جهانی قرار دارند. روابط بین این قدرت‌ها همچون دوره جنگ سرد خصمانه نیست بلکه روابطی مبتنی بر رقابت و پویایی بیشتر و غیرسیاسی است (Rizky & Umar, 2010: 107). براساس نظر ناتالگاوا، باید یک تغییر جهت در پارادایم امنیت بین‌الملل وجود داشته باشد چراکه کثرت‌گرایی روبه رشدی در میان بازیگران نیز وجود دارد. علاوه بر این، افزایش همکاری اقتصادی بین آسه‌آن و کشورهای آسیا پاسفیک بعنوان یک واکنش در قبال قدرت جدید در حال خیزش آسیایی نیز از اهمیت قابل توجهی برخوردار است.

واضح است که هر دو وزیر امور خارجه و رئیس جمهور اندونزی، آسه‌آن را بعنوان یک ابزار مهم و محوری برای حل و فصل منازعات در دریای چین جنوبی مورد توجه قرار می‌دهند. بر این اساس، اصل «مرکزیت آسه‌آن» یک بخش جدایی‌ناپذیر «دکترین ناتالگاوا» یک چشم‌انداز سیاست خارجی معرفی شده توسط وی است. در این دکترین، بدون شک ملاحظات ژئوپلیتیکی آینده بر اهمیت شرق آسیا تأکید دارند. علاوه بر این، ناتالگاوا ارائه دهنده مفهوم «تعادل پویا» است که به واسطه عدم حضور هرگونه تسلط و چیرگی قدرت بزرگ، مشخص می‌گردد (Budianto, 2010: 5). یک تعادل پویا در زمانی وجود دارد که گروهی از دولت‌هایی وجود داشته باشند که از روابط نزدیک با دیگری در یک محیط نافع و صلح‌آمیز برخوردار باشند. بر این اساس، کشورهای شرق آسیا باید یک منطقه‌گرایی را به آسه‌آن بعنوان یک محور و کانون تعبیه کنند. در این رابطه، ناتالگاوا بیان می‌دارد که: «ما نباید از مسیر اجتماع آسه‌آن منحرف شویم چراکه هر آینده متصور برای آسیا پاسفیک باید دارای یک عنصر تشکیل‌دهنده از اجتماع آسه‌آن باشد. بنابراین ما در ابتدا می‌بایست به همگرایی خودمان در اجتماع آسه‌آن و تلاش‌های مرتبط با آن تا سال ۲۰۱۵ تداوم ببخشیم».

بنابراین با توجه به «دکترین ناتالگاوا»، اندونزی اصل مرکزیت آسه‌آن را بعنوان نخستین کاتالیزور اقتصادی و امنیتی در جنوب شرق آسیا، شرق آسیا و آسیا پاسفیک مورد ملاحظه قرار می‌دهد. در دوره پسابحران جهانی، اندونزی دارای یک منفعت ملی و امنیتی در جهت حمایت از مداخلات فعال ایالات متحده و روسیه به منظور موازنه چین تهاجمی بعنوان یک کشور بسیار قدرتمند است که به تنهایی با اندونزی و کشورهای آسه‌آن مواجه می‌شود. خود وجود و حضور ایالات متحده، طرح ادعای داشتن یک منفعت ملی در آزادی دریانوردی در دریای چین جنوبی است که این در واقع به منظور توازن خواسته چین برای حل و فصل مناقشات به صورت دوجانبه با هر کشور مدعی و مطالبه کننده است.

در جریان دیدار رئیس جمهور اواما از اندونزی در نوامبر ۲۰۱۰، یک نگرانی در این مورد وجود داشت که آیا اندونزی در قبال ایالات متحده در امور منطقه‌ای و چندجانبه به این کشور نزدیک‌تر شده است یا خیر؟ باید پذیرفت که احترام اواما به مسلمانان میانه‌روی جهان از جمله اندونزی، همدلی گسترده‌ای را در میان مردم اندونزی به وجود آورده است. اواما بعنوان کسی که دوران کودکی خود را در جاکارتا گذرانده است، همدلی بیشتری را نسبت به سلف خود یعنی جورج بوش به دست آورده است، کسی که در نظر بسیاری از مسلمانان اندونزیایی بعنوان یک دشمن در نظر گرفته شده است. در این زمینه ناتالگاوا بیان داشت که اندونزی دارای منافع قابل توجهی در ایجاد روابط نزدیک با این ابرقدرت است. مشارکت استراتژیک فزاینده در میان دو کشور به احتمال زیاد ناپیوستگی و از هم گسیختگی سیاسی چشم‌انداز استراتژیک آسیا پاسفیک را تقویت می‌کند. با این وجود، این یک شرط‌بندی ذاتی و طبیعی و در همراهی با شعار سنتی آزاد و فعال سیاست خارجی اندونزی است که دولت اجازه نمی‌دهد تا به واسطه نزدیکی بیش از حد با ایالات متحده، هویت خود را از

دست بدهد. نزدیک‌تر شدن به ابرقدرت به روابط خوب اندونزی با چین آسیب وارد نمی‌آورد. اندونزی به حفظ فاصله خود از قدرت‌های بزرگ شرق آسیا تداوم می‌دهد، موقعیتی که این کشور را قادر می‌کند تا به یک قدرت میانجیگر منطقه‌ای مبدل شود. در این زمینه، بیانات رئیس‌جمهور سوسیلو بامبانگ یوده‌ویونو راجع به اینکه اندونزی هرگونه هژمونی از سوی هر ملت واحد در معمار شرق آسیا را رد می‌کند، غیرقابل فهم و درک است (Era Baru News, 2010). رئیس‌جمهور یوده‌ویونو در پاسخ به طرح پیشنهادی استرالیا درخصوص اجتماع آسیا پاسفیک، طرح پیشنهادی ژاپن در رابطه با اجتماع شرق آسیا و اولویت چین برای چارچوب آسه‌آن+۳، بیان داشت که معماری جدید منطقه‌ای در شرق آسیا باید در راستای اصل مرکزیت آسه‌آن باشد. اگر آسه‌آن قادر به حفظ صلح و ثبات در منطقه باشد، پس این سهم قابل‌توجه آسه‌آن برای صلح و امنیت جهانی است.

در بحبوحه این مباحثه مرتبط با «معماری منطقه‌ای»، نخست‌وزیر چین ون جی بائو در آوریل ۲۰۱۱ از اندونزی بازدید کرد. وی جی بائو در جاکارتا تمایل و آرزوی خود برای افزایش نقش چین در توسعه آسه‌آن را مطرح نمود. وی یادآور شد که چین در سال ۲۰۱۰ به بزرگترین شریک تجاری آسه‌آن مبدل شده است و این دو طرف هدف خود به منظور افزایش حجم مبادلات تجاری تا ۵۰۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۵ را تعیین کرده‌اند. ون جی بائو همچنین تعهد کشور خود مبنی بر کمک به حمل و نقل زمینی، سرعت بخشیدن به توسعه زیرساخت‌ها و برق از طریق فراهم آوردن برنامه‌های اعتبار به آسه‌آن را بیان کرد. اظهارات ون بیشتر بر جنبه اقتصادی تمرکز یافته بود که می‌تواند بعنوان اقدام هدفمند چین برای معطوف کردن موضوعات «سیاست سخت» همچون مناقشات سرزمینی به موضوعات نرم‌تر همچون توسعه زیرساخت‌ها، تفسیر شود. بنابراین چین اعتراض و مخالفت آشکار را در قبال موضع اخیر اندونزی در پویایی‌های منطقه‌ای شرق آسیا، بیان نکرده است. به نظر می‌رسد که چین، ایالات متحده و سایر قدرت‌ها این واقعیت را می‌پذیرند که آسه‌آن به مقبول‌ترین ابزار برای پل زدن بین تمامی طرفین در منطقه مبدل شده است. آسه‌آن ظهور یافته یک تسهیل‌کننده مهم و قابل‌توجه است که دو قدرت را متعادل کرده و به توازن می‌رساند (Kassim, 2011: 29).

در جریان اجلاس آسه‌آن در بالی در نوامبر ۲۰۱۱، رهبران آسه‌آن به مباحثات خود در رابطه با فرمول‌بندی و تدوین قانون اداره رفتار در دریای چین جنوبی ادامه دادند. با اینحال، در جریان این نشست، موضوع «بازگشت آمریکا» به شرق آسیا بطور گسترده‌ای مورد بحث قرار گرفته است به ویژه بازدید اواما از استرالیا پیش از حضور وی در اجلاس شرق آسیا در بالی بود که در آن اجلاس اواما از استقرار ۲۵۰۰ نفر از سربازان آمریکایی در یک پایگاه نظامی در داروین پرده برداشت. این سربازان اضافی عمدتاً با یک همبستگی مستقیم با رشد قدرت چین در منطقه از جمله تنش‌های فزاینده در دریای چین جنوبی، درک می‌شود

(Kompas, Ibid: 22). موضوع «بازگشت آمریکا» اگر در مقایسه با برخی از دستورکارهای داخلی آسه‌آن همچون تدوین اعلامیه آسه‌آن در رابطه با حقوق بشر و همچنین قصد میانمار برای رهبری آسه‌آن در سال ۲۰۱۴ قرار بگیرد، توجه رسانه‌ای بیشتری را به خود جلب می‌کند.

### نتیجه‌گیری

خیزش چین و روابط پویاتر آسه‌آن و چین به چالش‌های برجسته‌ای برای اندونزی پس از بحران مالی جهانی مبدل شده است. از نظر اقتصادی و برطبق مشاهدات کسری مداوم تجاری، رکود صنعتی و رشد نرخ بیکاری، همکاری بین آسه‌آن و چین در چارچوب منطقه آزاد تجاری آسه‌آن - چین موجب بروز اثرات منفی قابل-توجهی برای اندونزی شده است. با این وجود، در رابطه با اشتیاق و خواست داخلی برای مدنظر قرار دادن تعهد کشور در قبال منطقه آزاد تجاری آسه‌آن - چین، دولت اندونزی ماندن در این چارچوب را انتخاب کرده است چراکه آن یک تعهد بین‌المللی ایجاد شده تحت لوای آسه‌آن است.

در حوزه سیاسی و نظامی، در ژست سیاسی چین از نوع انطباقی به تهاجمی و باتوجه به عدم قطعیت در دریای چین جنوبی، تغییراتی روی داده است. این وضعیت موجب بروز گفت‌وگوهایی برای دعوت از قدرت‌های فرامنطقه‌ای به ویژه ایالات متحده برای دخالت فعالانه در ترتیبات امنیتی منطقه‌ای شده است. ایالات متحده با تأکید بر منافع ملی خود در حوزه آزادی کشتیرانی در دریای چین جنوبی، نقش‌های فعالانه‌ای را به نمایش گذاشته است که موجب بین‌المللی شدن ناگزیر این مسئله می‌شود. آسه‌آن، ایالات متحده و روسیه را از طریق اعطای عضویت کامل در اجلاس شرق آسیا، مورد پذیرش قرار داده است.

موقعیت اندونزی در پویایی‌های منطقه‌ای شرق آسیا به ویژه در موضوع دریای چین جنوبی مبتنی بر اصل مرکزیت آسه‌آن است. دولت اندونزی مشاهده می‌کند که پس از بحران مالی جهان، نقش آسه‌آن بعنوان نیروی محرکه در آرمان منطقه‌ای آسیا، ارتباط بیشتری را به دست آورده است. از منظر اندونزی، آسه‌آن یک متغیر مهم برای پل زدن میان قدرت‌های جدید و قدیمی در منطقه از طریق توجه به گفتگو و همکاری به جای منازعه و ابزارهای نظامی است.

حرکت آسه‌آن برای نزدیک‌تر شدن به ایالات متحده و حفظ سودمندی بیشتر در روابط اندونزی و ایالات متحده در دوران ریاست‌جمهوری اوباما، به وضوح ارائه دهنده انگیزه‌های جدید برای روابط اندونزی و چین است. روابط روبه رشد بین اندونزی و چین که منجر به امضای اعلامیه مشارکت استراتژیک در سال ۲۰۰۵ شد، به واسطه روابط روبه رشد اندونزی و ایالات متحده به توازن رسیده است که همچنین موجب امضای موافقتنامه مشارکت استراتژیک بین دو کشور در سال ۲۰۱۰ شد. با این حال در راستای اصل «آزاد و فعال» سیاست خارجی اندونزی، کشور اجازه نمی‌دهد که صرفاً پیرو و دنبال‌کننده یکی از این قدرت‌های بزرگ

باشد. اندونزی در تلاش است تا با تأکید بر اصل مرکزیت آسه‌آن که در اصل یک استراتژی موازنه و مصون-سازی است، جنوب شرق آسیا را به سمت یک تعادل جدید منطقه‌ای با فضای کافی برای جلوگیری از سطح غیرقابل کنترل یک قدرت بزرگ به پیش براند.

### فهرست منابع

- 1- Bateman, Sam (2011). The South China Sea: When the Elephants Dance. *In Yang Razalli Kassim*.
- 2- Beckman, Robert (2011). The South China Sea: Worsening Dispute of Growing Clarity in Claims. *In Yang Razalli Kassim*. Issues in Human Security in East Asia. Singapore: S. Rajaratnam School of International Studies.
- 3- Brooks, Karen (2011). Is Indonesia Bound for the BRICs? *Foreign Affairs*.
- 4- Budianto, Lilian (2010). ASEAN Presence a Prerequisite in any Future Asia Pacific Community. *Jakarta Post*. 1st May.
- 5- Douk, Alice (2003). China and ASEAN, Renavigating Relations for a 21<sup>st</sup> Century. *Asian Survey*. Vol. XLIII. No. 4.
- 6- *Era Baru News*. 10th April 2010.
- ۷۳ 7- Fook, Lye Liang (2010). ASEAN and the South China Sea Disputes. *EAI Bulletin*. Vol. 12. No. 2.
- 8- *Gatra*. 2nd November 2011.
- 9- Hadi, Syamsul (2010). Indonesia-China Relations in the Post-New Order Era. in Lam Peng Er (ed.). East Asia's Relations with a Rising China. *Singapore: Konrad Adenaur Shiftung*.
- 10- Hadi, Syamsul (2010). Engaging the Dragon: The Dynamics of Indonesia-China Relations in the Post-Soeharto Era. *Indonesia Social Sciences Review*. Vol. I.
- 11- Hadi, Syamsul (2010). Indonesia dan Proyek Integrasi ASEAN: Sebuah Telaah Kritis. *In Free Trade Watch*. Vol. III.
- 12- Hadi, Syamsul (2011). Dalam Bayangan Supremasi China. *Seputar Indonesia*.
- 13- Kassim, Yang Razali (2011). The New Great Game: ASEAN's Balancing Act. *Tempo*. 29th January.
- 14- Kompas, tuor (2011). Australia Sambut Usulan RI. 22<sup>nd</sup>.
- 15- Laksana, Evan (2011). Jakarta Eyes South China Sea. Retrieved from <http://the diplomat.com>.
- 16- Novotny, David (2010). Torn Between America and China: Elite Perceptions and Indonesian Foreign Policy. *Singapore: ISEAS*.
- 17- Novotny, Daniel (2010). It is obvious that the Indonesian elite has viewed quite positively the 2008 election of Barack Obama as the new U.S. President. In fact, while

some leaders pointed to Obama's long journey to the presidency as an inspiring phenomenon that aspiring Indonesian politicians should learn from, others emphasized Obama's relationship with Indonesia because he used to live and went to school in Jakarta.

18- Rizky, Ahmad and Umar, Mardhatillah (2010). Leading to Global South. *Jakarta Post*. 7th Januar.

19- Severino, Rodolfo (2011). ASEAN in 2010. In Daljit Singh (ed.). Southeast Asian Affairs 2010. *Singapore: ISEAS*.

20- Sukma, Rizal (2011). The Rise of China. *Tempo*. 29th January.

21- Tempo, Piagam (2011). Dominance in Local Markets.

22- Thayer, Carlyle (2011). The United States, China and Southeast Asia. in Daljit Singh. Southeast Asian Affairs. *Singapore: ISEAS*.

23- Yee, Andi (2011). China and Its Territorial Disputes: One Approach Does Not Fit All. Retrieved from <http://www.eastasiaforum.org>.

